



دکتر خلیل خان ، مترجم کتاب بصر کنت دوختت گریستو

« نهضت ترجمه در عهد قاریه »

از : محمدرضا فشاهی

برای : باقر مؤمنی

که موفق شدند تحولات بزرگی که در تاریخ بشریت بعنوان بزرگترین حادثه تلقی میشود بوجود آورند . بالینهمه ، بعلمت مبارزات فراوان متفکرانی چون مکرم خان - میرزا فتحعلی آخوندزاده - مستشارالدوله - میرزا حبیب اللهی - میرزا آقاخان کرمانی - میرزا آقاخان کرمانی ، زیربنای فرهنگی و انقلابی (هرچند ضعیف) در ایران فراهم شد . و آثار و اقوال همین چند تن بود که باعث تولد روحیه مشروطه طلبی و آزادیخواهی در ایران گردید .

بیداری ایرانیان بستگی بچند عامل مهم داشت مسائل طبقاتی (مبارزه بورژوازی یا فئودالیزم - که شایع تامی بانقلاب کرامول در سالهای ۱۶۴۱ تا ۱۶۴۹ در انگلیس داشت ودر حقیقت پایان قرون وسطی از تاریخ پایان همین انقلاب ، اعلام شد) - روابط سیاسی بااروپا (از سال ۱۸۰۰ میلادی یا ۱۲۱۵ هجری قمری یعنی از سال چهارم سلطنت فتحعلی شاه) - اعزام محصل بارویا (که از زمان عباس میرزا ، شاهزاده شجاع ووطن پرست آغاز شد) - بل فرهنگی تهران قاهره - تهران تفلیس و تهران استانبول (که کتابهای متفکران اروپایی از همین نقاط بایران میرسید) - وجود شخصیتهای بزرگ تاریخی مثل امیرکبیر واعضای خانواده قائم مقام - صنعت چاپ (که خود باعث نشر روزنامه های مختلف ونیز ترجمه کتب مؤلفین اروپائی شد) و چند عامل دیگر ... بررسی آن چند عامل را بوقت دیگر میکنداریم و به نهضت ترجمه و تاثیر آن در ایجاد انقلاب مشروطه میپردازیم .

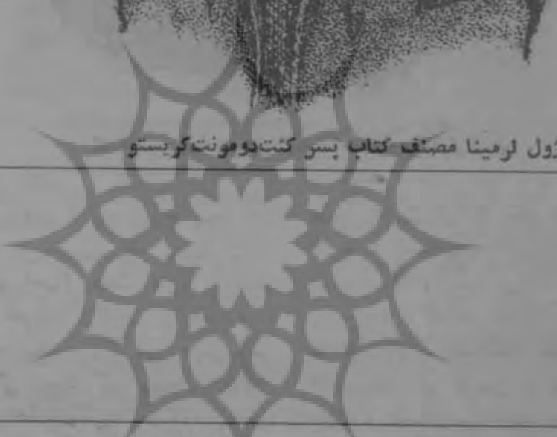
کتابهای مختلفی که از زبانهای اروپائی (بیشتر از زبان فرانسه)

انقلابات قرن نوزدهم اروپا ، بخصوص انقلاب سال ۱۸۴۸ پاریس همانگونه که باعث بیداری ملت های اروپا وپرواز انقلابات متوالی درکشورهای پروس - اتریش - آلمان - اسپانیا - لهستان وایتالیا گردید ، بیداری ایرانیان را نیز باعث گردید . وهمانگونه که مشروطه طلبان اروپا مانع بزرگی چون «اتحاد مقدس سلاطین اروپا» (اتحاد ترجمانه ای که توسط صدراعظم مرتجع اطریش « مترنیخ » و بنام « پانتارشی Pentarchie » پس از شکست ناپلئون بناپارت وبازگشت خانواده « بوربونهار » بسطت و پایان کنگره « وین » ودر سال ۱۸۱۵ تاسیس شد واز پایه گذاران دیگر آن یکی هم آلکساندر اول امپراطور روسیه بود) که در واقع قصد آن نه دفاع از صلح بل دفاع از استبداد ومبارزه باکلیه آزادیخواهان اروپا بود ، در پیش رو داشتند ، مشروطه طلبان و آزادیخواهان ایران نیز مانع بزرگی چون استبداد دستگاه ناصری رادبرابر خود میدیدند .

انقلاب مشروطیت ایران نیز ، مانند سایر انقلابات در کشورهای مختلف اروپائی در قرن نوزدهم ، بفوریت ایجاد نشد . زیرا که هراقتاب ، جدا از مبارزات شجاعانه مجاهدان ، در درجه اول بزیربنای فرهنگی احتیاج دارد (هرچند انقلاب مشروطه ایران و نهضت مشروطه طلبی ، در مقایسه باکشورهای اروپایی ، ازیک زیربنای فرهنگی قوی برخوردار نبود واین مسئله ای است مهم که جای آن در این مبحث نیست) . این زیربنا بعلم فراوان در ایران قرن چهاردهم بشکل کامل موجود نبود زیرا که حتی بزرگترین متفکرین قرن سیزدهم ایران ، از افکار و آثار متفکران درجه دوم اروپایی مثل لاک ، استوارت میل و طبعاً لیبرالیسم انگلیسی وپروودون ولوتی بلان و سیموندی و روسو و چندتن دیگر تغذیه میکردند درحالیکه میدانیم در قرن نوزدهم در اروپا متفکران بسیار بزرگی زندگی میکردند



ژول لرمینا مصنف کتاب پس کنت دو مونت کریستو



میشود (۲) در این قرن صنعت چاپ، تنها متعلق پارامنه بود. شاردن چهارگرد فرانسوی (۱۶۶۳ - ۱۷۱۳) که در زمان شاه سیمان صفوی با یوان آمد، در سفرنامه‌اش از اشتیاق ایرانیان به صنعت چاپ سخن میگوید. اما صنعت چاپ تا زمان عباس میرزا «صورتی جدی بخود نگرفت. در زمان عباس میرزا تنی چند از محصلین ایرانی اعزامی پاروپا (که در آنجا به صنعت چاپ آشنا شده بودند) پس از بازگشت بایران سفارش عباس میرزا، چاپخانه‌ای با حروف سربی و سنگی در تبریز برآه انداختند. چندی بعد میرزا صالح شیرازی، که اونیز یکی از شاگردان اعزامی پاروپا بود در بازگشت بایران چاپخانه‌ای در تبریز تاسیس کرد و از آن پس صنعت چاپ در ایران بطور جدی دنبال شد.

چاپ و چاپخانه، کمکهای ذیقیمتی به فرهنگ ایرانیان و آشناسنی آنها با فرهنگ پیشرفته اروپا کرد و روزنامه‌ها و کتابهای فراوان بچاپ رسید که ما اکنون به بررسی کتابهای ترجمه شده در قرن سیزدهم می‌پردازیم. باید متذکر شوم که در این بررسی، شاید کتابهایی یافت شود که ارتباط مستقیم با انقلاب نداشته باشند، اما در اینکه همین کتابها، مسائل بسیاری از زندگی سیاسی و اقتصادی مردم اروپا در قرون مختلف را مطرح میکنند، هیچ حرفی نیست و نباید بسادگی از آنها گذشت.

پیشتر راجع به اصلاحات بزرگ عباس میرزا، از جمله ایجاد صنعت چاپ سخن گفتیم و اتفاق را که از جمله بهترین کتبی که در زمان قاجاریه، بفارسی ترجمه شد، دو کتابی بود که میرزا رضا مهندس (یکی از شاگردان اعزامی پاروپا در زمان عباس میرزا) بفارسی ترجمه کرد. عباس میرزا که تاحدودی به فرهنگ اروپا و علل پیشرفت سریع آنان آگاهی داشت، همواره خود را بطرکبیر ایران میدانست و شیفته شخصیت پترکبیر و شارل دوازدهم

بفارسی ترجمه شد باعث آشنا شدن روشنفکران ایرانی با تحولات و تاریخ و انواع حکومتهای اروپا و نیز انقلابات آزادیخواهانه مردم اروپا، گردید، و میل تجددخواهی و مشروطه‌طلبی را در آنها بیدار نمود. تاریخ صنعت چاپ در ایران به نیمه اول قرن هفدهم میلادی میرسد. یکی از محققین بزرگ معاصر معتقد است که اولین چاپخانه ایران متعلق به فرقه کرملی‌ها در اصفهان بود و از قول کشیش «آژدوسن ژوزف» که مدتی در ایران اقامت داشته، می‌نویسد «پدران قدیم ما (کشیشهای نماری کرملی) در عبادتخانه خودشان در اصفهان بصدخانه‌ای با حروف عربی و فارسی دایر کرده بودند که هنوز هم دارند. ارامنه نیز درجلفا بصد ارمی دارند (۱).

باتوجه باینکه کتاب «سن ژوزف» (کتاب لغت فرانسه به فارسی) تاریخی قدیمی‌تر از نخستین کتاب چاپ شده در چاپخانه ارامنه جلفا دارد، باید تاریخ تاسیس نخستین چاپخانه را بآنها نسبت داد. اما گویا از کتابهایی که در این چاپخانه بچاپ رسیده، تعداد فراوانی نبردست نیست و باید تکیه ما بر همان چاپخانه ارامنه جلفا باشد.

نخستین کتابی که در چاپخانه ارامنه بچاپ رسید کتابی است بنام «ساقموس» که در کتابخانه «بادالیان» در لندن موجود است و تاریخ سال ۱۶۳۸ میلادی را دارد. تا قبل از کشف این کتاب، کلیه محققین، کتاب «هارانتس وارک» را که توسط خلیفه «خاجاطور گیساراسی» در تاریخ ۱۶۳۸ در جلفا بچاپ رسیده، نخستین کتاب چاپی ایران میدانستند. اما با کشف کتاب «ساقموس» معلوم گردید که نخستین کتاب چاپی ایرانی، همین کتاب «ساقموس» بوده است. این کتابها با حروف چوبی بچاپ میرسید و هم‌اکنون کلیه این حروف در موزه جلسفای اصفهان محافظت



الکساندر دوما مصنف کتاب کفت دومونت کریستو

بود ، و خود او بود که ترجمه دو کتاب بسیار خوب از دو مورخ درجه اول اروپا یعنی « ولتر » و « اوارد گیبون » را به میرزا رضا سفارش کرد . عباس میرزا که در سراسر زندگیش ، آرزوی احیاء عظمت ایران را داشت فکر میکرد که با ترجمه و چاپ این دو کتاب خواهد توانست در دربار مردم پدرش (فتحعلی شاه) که اشتیاقی جز هر چه بیشتر زن گرفتن نداشت و نیز در درباریان خواب آلود و غفلت زده ، تحریکی ایجاد کند و باعث تجدولاتی در ایران گردد زیرا که او بخوبی میدانست شکست ایران در اولین دوره جنگهای طولانی ایران و روس (دوره ده ساله جنگ اول) تنها نتیجه عقب ماندگی فکر ایرانی است . اما در واقع آرزوی عباس میرزا ، عیب بود ، زیرا که فتحعلی شاه و اطرافیان او آنچنان بدفکر و غوطه خور بودند که اندیشه ای جز شکم و وزیر شکم نداشتند .

میرزا رضا مهندس ، در مقدمه کتاب اسکندر مقدونی (ترجمه) می نویسد : « اما بعد غرض از تسوید این اوراق آنست که بتاریخ هزار و هشتصد و سیزده عیسوی مطابق سال هزار و دوویست و بیست و هفت هجری در اوقاتیکه صفحه آذربایجان از فر وجود میمنت نشان شاهزاده آزاده جوانبخت کامکار و گرامی عباس لازالدین الحق ظهیراً و حامیاً همیشه خاطر منکوت ناظر اقدمش متعلق بر این بود که از اوضاع و اطوار گذشته و آینده روزگار مستحضر و از وقایعی که اتفاق افتاده باشد مطلع و باخبر باشند این بنده کمترین که از جمله چاکران سرکار مامور گردید که تاریخ مزبور [پترکیبر و شارل دوازدهم اثر ولتر] را بفتت فارسی ترجمه و بنظر فیض منظر گماشتگان سرکار والا رسانیده که باعث اطلاع و استحضار خاطر مبارک گردیده شود و » (۳)

دو کتاب پترکیبر و شارل دوازدهم ، بهمهراه تاریخ زندگی اسکندر مقدونی ، سرانجام ترجمه و در یک مجلد بیچاپ رسید . « شارل دوازدهم » نخستین تالیف تاریخی « ولتر » است . ولتر در این کتاب ، تنها بدکسر وقایع و اتفاقات تاریخی و فتوحات شارل اکتفا نمیکند بلکه با دیدی صحیح به تاریخ و فلسفه تاریخ می نگرد و از مجموعه حوادث سالیان ، نتایج سیاسی و فرهنگی اقتصادی هر عصر را بدقت بررسی نموده ، نتیجه می گیرد . شارل دوازدهم و پترکیبر را باید از کتابهای بسیار خوب تاریخی

جهان دانست زیرا که ذهن خلاق « ولتر » که میتوان آنرا بزرگترین ذهن تاریخ قرن نوزدهم دانست با تکیه بر اسناد تاریخی و مدارک مثبت ، به بررسی تاریخ سوئد و روسیه می پردازد کتاب شارل دوازدهم شامل چند بخش از جمله تاریخ سوئد تا زمان شارل - جنگ شارل با لهستان و روسیه و دانمارک و فتوحات او - اصلاحات پتر - جنگهای طولانی سوئد و روسیه - سلطنت استانیسلاوس در لهستان - جنگ با عثمانی و سرانجام بررسی اوضاع داخلی سوئد و لهستان و روسیه و دانمارک است به نمونه ای از این ترجمه دقت فرمائید :

« هنگامیکه شارل در مملکت روم توقف داشت عهد سلطان احمد سیم بود شارل دوازدهم بعد از ورود به شهر بندر کاغذی بخدمت سلطان روم نوشت مورخ گوید که چندین کاغذ بمن نشان دادند از قراریکه می گفتند سواد کاغذهای شربل بود که در حین توقف در خاک روم سلطان نوشته است چون دوست خاطر جمعی نداشتم لهذا مضمون آنها را در تاریخ خود بسط ندادم این فکر معلوم میشود که مضامین نوشته های شربل این بوده که از دولت عثمانی امداد خواسته بود تا تلافی استیصال خود و شکست لشکر روم را از دولت روسیه درآورد فی الحقیقه اگر دولت روم بحرف او گوش میداد و قدری لشکر بدست او می سپرد باز دولت روسیه را تمام میکرد لکن احوالات سلاطین روم معلوم است که ده سال طول میکشد تا بیک کاری اقدام نمایند بعد از مدتی مدید کاغذی بشربل نوشتند که هیچ دخل بمطلب نداشت شربل با اینهمه از خیال خود مایوس نشده یک نفر پونیاتوسکی نام از سرداران خود روانه اسلامبول نمود و » (۴)

پترکیبر اثر ولتر نیز ضمیمه کتاب شارل دوازدهم است . کتاب پترکیبر نیز مانند کتاب شارل دوازدهم ، نمونه ای از تاریخ نگری علمی ولتر و تجزیه و تحلیل دقیق او از حوادث و نتیجه گیری از آنهاست . ولتر در این کتاب کلیه حوادث زندگی پترکیبر از جمله جنگهای روسیه با سوئد و عثمانی و اصلاحات بزرگ پتر را بدقت مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و تاثیر این اعمال را در زندگی توده مردم روس ، بررسی نموده است . روانشناسی ولتر از پترکیبر ، در نوع خود بی همتاست . باید متذکر شوم که هر چند نوع ترجمه میرزا رضا مهندس از این کتابها و نیز کتاب اسکندر مقدونی ، ترجمه ای دلچسب نیست و نثری زیبا ندارد اما باید در نظر گرفت

که این در قرن بوده آرزوی شارل ترجمه دیگر مجبور پترکیبر بوده بود که از آنجا و غیر خود آطلایفه رقیقه جمع چون کرده می عباس روم بود که (۳۷) بمطابق بیرون دربار متذکر



محمد طاهر میرزا مترجم کتاب گنت دو مونت کریستو

که تصمیم به نوشتن این کتاب گرفت و سرانجام پس از تحمل سالها رنج، آنرا در ژوئن ۱۷۸۷ بیان رساند. کتاب «گیبون» بعلمت استفاده او از منابع فراوان لاتین و فرانسه و انگلیسی و حواشی مفید بسیاری که بر کتاب نوشته، هنوز هم یکی از بهترین و شاید بهترین تالیف درباره علل انحطاط و سقوط امپراطوری روم باشد. عباس میرزا که گویا وصف این کتاب را شنیده بود ترجمه‌ی آنرا به میرزا رضا مهندس سفارش کرد تا شاید مطالعه این کتاب و کشف و فهم علل انحطاط رومیان، در دربار فتحعلی شاه تحرکی ایجاد کند و باعث عبرت گردد. میرزا رضا نیمی از این کتاب را ترجمه کرد اما گویا فرصت ترجمه بقیه آنرا نیافت و تازه همین مقدار هم که ترجمه شده بود، گویا بعلمت مخالفت‌های فتحعلی شاه و درباریان، هرگز بچاپ نرسید. این نوع ترجمه میرزا رضا و نثر آن، نسبتاً بهتر از ترجمه‌های قبلی اوست. به قسمتی از این ترجمه توجه فرمائید:

«آن امپراطور پرغرور بدین صفات ذمیه خود را متصف ساخته بسیار مغرور و متکبر شد و بر مرور ایام پرده حیا از چشمش برخاسته آمد مصمم گشت بر اینکه هر چه از عملهای بد و ناصواب که تا آنوقت در خلوت و در حضور چند نفر از مقربان و معیوبان خودش بعمل می‌آورد در نظر کل مردم و اهل روم ظاهر سازد بنابراین چند روزی معین کرد که در آنروزها عموم اهل شهر روم در دارالسرور جمع شوند و در حضور آنها هنرهای مضحکه‌آمیز خودش را که چندین قسم خوف و خنده در میان آنها بود بعمل می‌آورد و اهل روم وقتی که هنرهای مسخره آیات آن امپراطور را مشاهده می‌کردند علی‌الظاهر انواع و اقسام تحسینات بان امپراطور بازنگر می‌نمودند و مرحبا و آفرین می‌گفتند و از جمله هنرهای او این بود که حیوانات درنده را دست و پا بسته در جانی می‌گذاشتند آن امپراطور تیر و کمان خود را بدست گرفته می‌گفت که سینه آن حیوان را نشان کرده‌ام و پا اینکه سرش را در نظر گرفته‌ام هرگز تیر او رد نمی‌شد و زخم تیر و نیزه‌اش همه اوقات مهلك بود و هم‌چنین با تیری که بیکان آن بشکل هلال بود اکثر اوقات گردن شتر مرغ را بهر شدت و تیزی که می‌پایید در حال طیران از تن جدا می‌ساخت و اکثر اوقات یکنفر مقصر بیچاره را دست و پا بسته در وسط میدان می‌گذاشتند و زنجیر از گردن پلنگ و یا شیر وحشی برداشته بطرف آن بیچاره سر می‌دادند آن حیوان وحش و درنده که تشنه بخون

که این دو کتاب جزء اولین و یا شاید اولین کتابهای ترجمه شده بفارسی در قرن سیزدهم هجری است و طبعاً نمیتوانسته ترجمه‌ای کامل باشد، اما هر چه بوده، توانسته است عباس میرزا را به تفکر واداره تا جایی که او تنها آرزوی، کسب فرهنگ و معرفت اروپا و شخصیت‌های محبوبش بطر کبیر و شارل دوازدهم و اصلاحات و فتوحات بزرگ آنها بوده است. به نمونه‌ای از ترجمه این کتاب دقت فرمائید:

«بعد از وفات شرف مردم چنان میدانستند که دولت روسیه آرام گرفته دیگر بخیال جنگ نخواهد افتاد ولیکن اتفاق چنان افتاد که مجدداً بطر مجبور گشته بنای لشکر کشی گذاشت توضیح اینمقال آنکه در ایام سلطنت بطر کبیر شاه سلطان حسین پادشاه ایران که پیوسته مشغول عیش و خوشگذرانی بوده هرگز بامور دولت خویش نمی‌پرداخت و کار دولت را بی‌توجهی و غفلت بود که جمیع ممالک ایران از او روگردان شدند بهیچوجه اطاعت نمی‌کردند از آنجمله محمود غلیجه در ولایت قندهار قریب به دوازده هزاره و افغان و غیره جمع کرد، ب فکر سلطنت ایران افتاده جمیع افغانستان را باطاعت خود آورده بزم تسخیر ممالک ایران وارد خاک ایران شد و از تسخیر دیگر طایفه لکزیه که همیشه کار ایشان خدمت و اطاعت دولت ایران بود سراز ریفه انقیاد بیرون کرده نزدیک به پنجاه هزار نفر از آن طایفه پر شور و شرم جمع گشته مشغول تاخین و خراب کردن شهرهای اطراف مازندران شدند..... چون این خیر ببطر کبیر رسید بتعجیل تمام ایلیچی نزد شاه سلطان حسین روانه کرده پیغام فرستاد که دولت ایران لشکر روانه داغستان نموده انتقام اینگونه بی‌حسابی را از طایفه لکزیه بکشند و.....» (ه)

از جمله کتابهای بسیار خوب دیگری که میرزا رضا به سفارش عباس میرزا بفارسی برگرداند کتاب معروف «انحطاط و سقوط امپراطوری روم» اثر مورخ بزرگ انگلیسی «ادوارد گیبون Edward Gibbon» بود که با نام «تاریخ تنزل و خرابی دولت روم» بفارسی ترجمه شد. گیبون (۱۷۳۷ - ۱۷۹۴) در ایالت سری Surey بدنیا آمد و از اوان جوانی به مطالعه علاقمند شد. به دانشگاه آکسفره رفت اما از آنجا بادلردی تمام بیرون آمد. نخستین کتابش که در سال ۱۷۶۱ بچاپ رسید «تحقیقی درباره ادبیات» نام داشت. در ۱۷۶۳ به پاریس رفت و با روشنفکران و متفکران فرانسوی آشناسد. از آنجا به ایتالیا رفت و طی اقامت در آنجا بود

آدمی بود بهمان شدت و تیزی و درشتیش که ذات اوست خود را بر سر آن مقصر بیچاره می انداخت و» (۶)

با مطالعه این نسخه خطی و نیز مطالعه کتاب «روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه» معلوم میشود که خواست عباس میرزا درباره تنبه و عبرت قاجاریه از سرنوشت روم، جامه عمل پوشیده!! زیرا که ناصرالدین شاه نه بقصد تنبه و عبرت، بل بقصد تفریح، کارهای عجیب امپراطوران روم را موبو تقلید میکردند است.

نهضت ترجمه و چاپ کتاب پس از شکستهای ایران از روسیه (دردوره دوم جنگهای دهساله ایران و روس) و مرگ عباس میرزا و آغاز سلطنت محمد شاه قاجار و مرگ قائم مقام وزیر بانددبیر و وطن پرستش (که بتحرک عبال دولت انگلیس و نیز سفیر انگلیس انجام گرفت) بعلت جنگهای ایران و افغانستان (محاصره هرات) بفراموشی سپرده شد تا اینکه نر زمان ناصرالدین شاه، دوباره احیا گردید.

اولین کتاب از فلاسفه غرب و آغاز آشنایی ایرانیان با فلسفه غرب در سال ۱۲۷۹ هجری قمری در زمان ناصرالدین شاه بود. در این سال کتابی بنام «حکمت ناصریه» یا «کتاب دیاکرت» بچاپ رسید که در واقع همان کتاب معروف دکارت «گفتار در روش راه بردن عقل» بود که توسط یکی از علمای یهودی ایران بنام ملا لاله زار بفارسی ترجمه شد.

باید متذکر گردیم که نوع ترجمه و نشر این کتاب نه تنها چنگی بدل نمیزند بلکه جزء بدترین ترجمه های تاریخ ایران است. اما باهمی این احوال، این کتاب درجهی حکمت اروپا را بایران باز کرد.

مترجم که گویا اندک آشنائی با فلسفه غرب داشته است، در مقدمه کتاب، ابتدا به شرح حال دکارت و نیز لزوم ترویج فلسفه مغرب زمین پرداخته و می نویسد:

«دیاکرت شخصی بود اسمی رهنه [رنه] دیاکرت و کبر سنه ۱۵۹۶ مسیحیه متولد شده و در ولایت ایبی مملکت تورین پسر شخصی مستشار و باطنی رن داوطلبانه توجیحی گری قبول نموده و در محاصره شهر روش فلسفه بجهت آشفتهگی قلبی که در عشق غم حکمت داشت از عسکریت استعفا نموده و اوفه تسلیم النفس نمود چون در آن زمان آزادی کمیابینی بجهت اشغال عم فلسفه میداشت الزام الزمه نمود که از دارالسلطنه پاریس رو بولایت هالند گذارد و به نزد شخصی بزرگ اکمون نام برود پس از ورود در آنجا مدت بیست و پنج سال در آنجا متوقف شد و.....»

مترجم که به نقل از ترجمه خود وارد بوده در خاتمه مقدمه نوشته است: «مغزی نماند چون این کتاب مستطاب مبنی بر حکمت است و از لفظ صعبی ترجمه شده تکرار مطالعه لازم دارد» و اتفاقاً بهمین علت است که ملا لاله زار در هر فصل از کتاب توضیحات کافی در تشریح عقاید دکارت بدست داده است. با وجود ترجمه و نشر بد و مشکل گانه، نمیتوان منکر شد که همین اثر، تاثیر فراوانی در شناسائی فلسفه غرب در ایران داشته است. به نمونه های از این ترجمه توجه فرمائید: این نمونه از فصل ششم کتاب انتخاب شده است:

«..... و هم ملاحظه نمودم نسبت تجاری که لازم میسرند عقاین اینکه هر قدر سبقت نموده ایم در معرفت بجهتی که از برای شروع بهتر است استعمال نمودن مطالبی که بنفخه در هوش ما متصور میشود از آن مطالب که نادر و منتحن تر هستند و نمیتوانیم ندانیم و تفهیم هر گاه قدری غرور و تعق کنیم چونکه نسبت شروع با اولینها بهتر است و مطالب نادره اکثر اوقات مارا فریفته میکنند وقتی که نمیدانند ارباب تجارب دلایل آن تجاری که مالوف و متداول تر هستند و بکدام کیفیات مربوط هستند میتوانم بگویم نزدیک همیشه آفتدر علاحه و ضحیر هستند که خیلی مشکلت ملاحظه نمودن ایشان اما قواعدیکه محافظت نمودم در اینمطلب چنین بود اولاً امتحان نمودم پیدا کنم مطلقاً مبدعها یا سببهای اولی از همه چیز که وجود دارد یا که ممکن است که موجود شود در دنیا بدون اینکه هیچ ملاحظه کنم که خدا تنها اورا آفریده و جلب تنماینم از جای دیگر مگر از تعین برز صداقت و حقیقتی که بالطبع در نفس روحانی ماهست و» (۷)

در اهمیت ترجمه این کتاب همین بس، که حکمت دکارت در قرن در ایران ترجمه میشود که بزرگترین فیلسوف آن «حاج ملاهادی سبزواری» عمل حکامی را حرام دانسته و وقتی که عکس خودش را برداشتند انگشت تحمیر

بدندان گرفت!

از پرکارترین مترجمان این عصر، محمد طاهر میرزا نوه عباس میرزا است که کتابهای بسیاری را بفارسی ترجمه کرد. و نیز سردار اسعد و چندتن دیگر.

کتاب «لوثی چهاردهم و قرن و عمرش» کتابی است درباره زندگی مردم فرانسه در عهد لوثی و اوضاع داخلی دربار لوثی که آلکساندر دوما، باین حوادث بزرگ تاریخی صورت رمان داده است. به نمونه های از این ترجمه توجه فرمائید:

لوثی چهاردهم بحد بیوغ رسیده بود چون لوی سیزدهم در یک لحظه از تابعیت و انقیاد گذشته و رسید بقدرت مطلقه. اما بالکنیه برخلاف پدرش که آفتدرت را شروع کرد باعمل سخت و شدیدی که متعاقب آن ضغنی ظاهر ساخت که همیشه در آن ضعف باقی ماند. اما این ضعف خود را نگهداری نمود و کم کم و متدرجاً بالا رفت تا بانداره قدرت و قوت خود یعنی اراده و اختیار و عزم ثابت که سلطت اورا مزیت و ترجیح داده بود رسید پس با وجود اینکه شاه بحد بیوغ رسیده بود اما باز سلطنت با ملکه بود. که بهر ای دقیق ملازین رفتار میکرد که کمال تسلط را در سر او داشت. خاصه از زمانی که از فرانسه خارج شده بود بهتر و کاملتر از وقتیکه در عمارت باندره ایال نشسته بود. شاه روزیکه بر کرسی عدالت در پارلمنت نشست سه اعلان فرمود اول بآنخواست و مجازات آنهاستیکه به نام مقدس خدائی سوء انب روا دارد و از شریعت خارج گردند - دوم مجازات و بازخواست از آنهاستیکه دول نمایند [دولت] سوم برای ستاختن بیگانهی پرسی دگونده. عجب آنکه پرسی دگونده آفتدر صبر نکرد که اقلا این اعلان را بشنود و این سرکشی و نافرمانی که پیش گرفت و» (۸)

از کتاب «لوثی چهاردهم» نباید بی تفاوت گذر کرد. زیرا که این کتاب حاوی وقایع بزرگ و کوچک تاریخی و اقتصادی و اجتماعی یک قرن فرانسه (از زمان لوثی سیزدهم و صدراعظمی کاردینال ریشیو) و لوثی چهاردهم و تحولات تجدخواهی ملت فرانسه و مبارزات آنهاست و همین کتاب یکی از راهنمایان محصلین و آزادیخواهان ایران گردید. کتاب «دیل کابریک» اثر «اوگوست ماکت» نیز که بترجمه سردار اسعدانتشار یافت یکی دیگر از توارخ معتبر فرانسه است که بشرح وقایع زندگی هارمی چهارم و نیز عقاید زندگی سیاسی و فرهنگی و اقتصادی ملت فرانسه می پردازد. نمونه های از این ترجمه بدست میدهم:

«درین روز قبل از طلوع آفتاب از دور صدای ناقوس کلیسای هیستدنی سموع میشد این صدای ناقوس آمیخته میشد بصدای توپ که از برای تبریک هر لحظه اطراف و نواحی پاریس را بتزلزل در میآورد و فریاد و هیجده مرد وزن دهاتی و شهری غلغله و غریو و های هوی کسه و لشکری بجز بظمت این صداهای افروان. از آن طرف پاریس و نواحی نزدیک آن غرق خاموشی بودند بهر طرف که شخص نظر می افکند سواری های اردوی هزاری چهارم بود که بتاخت و تاز از نشیب و فراز از صحرا و جنگل از تیه و دره می گذشتند و این سواران حامل نوشته های دعوت بودند که از جانب شاه برای اعیان دولت و وزرا و نجبای مملکت و عموم کسه و رعیت و غیره در شهر میبردند و آنها را دعوت کرده بودند که در آن روز حاضر و شاهد تغییر مذهب دادن اعلیحضرت باشند و» (۹) این کتاب بصورت رمان نوشته شده است.

کتاب «تاریخ سنت هن» نیز از توارخ خوب فرانسوی بود که توسط علیخان فرزند شاهزاده محمد طاهر میرزا بفارسی ترجمه شد. شروع این رمان تاریخی از اواخر قرن هجدهم (دوره پایان انقلاب کبیر فرانسه در حدود سالهای ۱۸۹۵ بعد) آغاز میشود و با تبعید ناپلئون به سنت هن خاتمه می یابد. در این رمان تاریخی کلیه حوادث زندگی ناپلئون و مردم فرانسه و اروپا گردآوری شده است از نوع ترجمه نمونه میدهم: «مدتی بعد در حینی که امپراطور نقاط مختلفه دوره شورش و اختلال را سیر مینموده توجه خاطر را درباره روبس پیر که حقیقتاً اورا نمی شناخت ولی در شخص او لیاقت و استعداد و قانونی معتقد نبود متوقف ساخت مهذا اورا در زمره مامورین مخفی رولسیون چون بز نری مینیداشت که همینکه بخمال این افتاد که آنرا از حرکت بازدارد فوراً رنجش نمودند و این فقره منحصر باو نبود بلکه قسمت و تقدیری بود مشترک برای هرکس حتی خود ناپلئون هرگاه

جرای هر
بسیار جور
و برقرار
اینطایفه
توانستند
مشارلیه
که من در
تا
امپراطور
شاهزاده
سیاسی
انقلاب
مختلف
طلبی در
بود. این
و آلمان
صدراعظم
«پانتارشی»
در قرن
و خوردهای
فراوان
از این
انتخاب
هرار
تمام
شاه را
اینکه
سلطنتی
فرامین
ضدت
را که
نهادن
زمان
براست
داخله
اکتفا
و شهری
واکثرت
مجلس
این کتاب
Kiss
یکی از
rnolds
شخصی
اداره
کتاب
است.
ایران
بفارسی
نهضت
و به ترجمه
صدراعظم
ترجمه
میرفت

جراتی در اقدام باینکار مینمودند ترورست‌ها (فرقه بودند که در آذربایجان بسیار جور و تعدی بر مردم مینمودند) بعد از روس‌پیر بهمانحالت خود باقی و برقرار بودند و اگر چنانچه قصور و فتنوری در بیدادگری و تعدیات اینطایفه پدیدار گشت من باب آن بود که در مقابل عقیده عموم مقاومت نتوانستند نمود ایشان تمام تقصیرات را بگرن روس‌پیر وارد آوردند ولی مشارالیه قبل از هلاکت خود در جواب ایشان میگفت که مدت ده هفته است که من در انجمن‌های خاص حاضر نشده‌ام و ... (۱۰)

تاریخ « فردریک گیوم » در شرح وقایع زندگی فردریک گیوم امپراطور پروس در قرن نوزدهم نیز از کتابهای بسیار خوبی بود که توسط شاهزاده محمد طاهر میرزا بقرسی ترجمه شد . این کتاب حاوی کلیه حوادث سیاسی و انقلابات آلمان و پروس از سال ۱۷۹۴ تا اواخر قرن نوزدهم است . انقلاب سال ۱۸۴۸ فرانسه توانست تأثیری عظیم در افکار مردم کشورهای مختلف اروپائی بگذارد و حاصل آن ، انقلابات آزادیخواهانه و نهضت مشروطه طلبی در کشورهای اتریش - آلمان - پروس - ایتالیا - لهستان و اسپانیا بود . این کتاب را باید در حقیقت ، شرح مبارزات آزادیخواهانه مردم پروس و آلمان با حکومت‌های مرتجع فردریک گیوم و نقشه‌های محیلانه « مترنیش » سدر اعظم اتریش (بانی و باعث ایجاد اتحادیه مقدس سلاطین اروپا - « پانتاری ») و بیسمارک ، سدر اعظم پروس (یعنی زیرگرن دشمن آزادی در قرن نوزدهم) نام داد . تأثیر مطالب این کتاب که سراسر حکایت از زد و خورد های پارلمان و مردم با « فردریک گیوم » است در آزادیخواهان ایران فراوان بود و همین کتاب یکی از وسایل تئور افکار مردم شد . به نمونه‌ای از این ترجمه دقت فرمائید . این نمونه از فصل انقلاب سال ۱۸۴۸ پروس انتخاب شده است :

« ... و میدید که در پیش چشم میگشت تمام وقایع تابستان سال هزار و هشتصد و چهل و هفت و او چون تماشاکننده بی‌حس مینگریست و میدید تمام اختلافات وزد و خورد میانه وزرا و اهل مجلس و مناقشه میان اهل مجلس و شاه را . مجلس در عزم خودش و عمل قانون‌گذاری افرات کرد ، و بسودن اینکه سلطنت را نسخ و ابطال نماید از حدود خودش تجاوز نمود ، امتیازات سلطنتی را بنای اصلاح گذاشت از جمله رسم سلاطین این بود که در ابتدای فرامین می‌نوشتند بطق الله تعالی . این کلمه را موقوف نمود ... بالاخره بنای ضدیت و مخالفت باشکاری گذاشتند روزیکه دیدند مجلس رد کرد احکامی را که ظاهراً شاه از برای حفظ نظم مملکت و در باطن و نفس الامر از برای اندازد نهادن بر تعدیات و رفتار مجلس در باب امتیازات سلطنتی صادر فرموده بودند زمان انتقام رسیده بود . مملکت بستوه آمده بود و ... عنوی شاه کنت در اندبورخ بریاست این هیئت نامزد گردید و یارون دمانتوفل مامور شد بریاست وزارت داخله . و این هیئت تمام اخلاص کیش و جان نثاران شاه بود و ... پس همین اکتفا کردند که آنچه مهم و معتبر است او را پیش بیاورند . فراوان ملتی و شهری موقوف و ابطال شد و محل جمع شدن مجلس نقل به براندبورخ گردید . و اکثریت آنها چنین رای میزدند که خصوصاً با هیئت وزرا نمایندگان شاه مجلس را بهم زد و افواج را به برترین احضار نمود و ... (۱۱)

در سال ۱۳۲۶ قمری کتابی بنام بوسه عنرا بقرسی ترجمه و منتشر شد این کتاب در اصل *The Bronze Statue* (مجسمه برنزی) « یا *The Virgin's Kiss* (بوسه باکره) نام داشت که توسط یکی از پرکارترین نویسندگان انگلیسی بنام جرج رنولدز *George W. Reynolds* (۱۸۱۴ - ۱۸۷۹) نوشته شده است مترجم کتاب ، شخصی است موسوم به سیدحسین صدرالمعالی که در زمان ناصرالدین شاه در اداره انطباعات منشی و مترجم کتاب از زبان هندی و اردو بوده است و این کتاب را نیز از انگلیسی ، بلکه از ترجمه هندی آن بقرسی ترجمه کرده است . باید متذکر گردیم که در زمانی که « اعتمادالسلطنه » وزیر انطباعات ایران بود بعلمت اینکه خود زبان فرانسه را میدانست و چند کتاب نیز از فرانسه بقرسی ترجمه کرد (مثل طیب اجباری اثر مولیر که شرحش خواهد آمد) نهضت ترجمه باب شد و مترجمان بسیاری در وزارت انطباعات استخدام شده و به ترجمه کتابهای مختلف از زبانهای خارجی مبادرت کردند . سیدحسین خان صدرالمعالی (سیدحسین شیرازی) نیز یکی از همین مترجمان بود و جریان ترجمه کتاب « بوسه عنرا » این بود که در سال ۱۳۰۶ که ناصرالدین شاه بفرنگ میرفت اداره انطباعات تصمیم گرفت که مریک از مترجمین دارالطباعة ، کتابی

ترجمه نموده و بحضور ناصرالدین شاه تقدیم کنند و قرعه ترجمه این کتاب به گردن صدرالمعالی افتاد . ترجمه کتاب بوسه عنرا در حدود چهار سال طول کشید و سرانجام در سال ۱۳۱۶ قمری بدست ذکاء الملک سپرده شد و ذکاء الملک نیز آنرا با سلیقه خود انشاء نمود (گویا در این وقت از متن انگلیسی نیز کمک گرفته شد) ترجمه تقدیم ناصرالدین شاه شد و او ۲۰۰ تومان انعام به مترجم داد . اما چاپ کتاب (بعلمت مطالب تند و تیز آن) تا سال ۱۳۲۶ یعنی دوره محمد علی شاه بعقب افتاد . مترجم در مقدمه کتاب می‌نویسد که کتاب را نزد میرزا علی‌خان امین‌الدوله برده بود تا راهی برای چاپ آن بیاید و از قول امین‌الدوله می‌نویسد « چون این کتاب مستطاب مخالف با خیال و عوالم استقلال و استبداد است و بمبارزه آخری بر ضد سلطنت معموله مروجه مملکت ایران . اگر چه طبیعت عالم میگوید که تا پادشاهان روی زمین از طریق خودسری انحراف نجویند و در جاده عدل و داد قدم نهنند ملت و مملکت ایشان از حسیض ذلت بمدارج عالیه ارتقا نرسد و نایل نگردد . خاصه پادشاهان عجم تا طریق سلامت پیش نگیرند دیگر امپراطوری ایران و آسیا نصیب ایشان نشود . و اگر خود اقدام باین امر خیر نفرمایند وقتی سلاطین متمدنه عالم خواهی نخواهی اگر چه بقر و غلبه باشد ملت ایران را از زیر بار ظلم ظالمان و شکنجه جباران نجات خواهند داد اما عجالت پرشاست که احتیاط را از دست ندهید و رعایت مقتضیات ضروری نموده بکفرته کشف اسرار ننمائید و برده استبداد را بی‌محایا مدیریت و بقدر امکان پوشیده سخن گوئید بلکه به آرایش عمارت و پیرایه کنایت و استعارت مطلب را چنان بسازید و بجد و هزل مانند افسانه بی‌اصل مقصود را بنوعی بپردازید که با مزاج پادشاه وقت موافق افتد و بطریقی خاطر اقدس گردد ؟! » (*)

کتابی که صدرالمعالی از زبان امین‌الدوله (مرد نیکو سرشت عهد قاجاری) میگوید بخوبی رساننده ارزش و اهمیت مطالب این کتاب برای مشروطه خواهان ایرانی است .

بنام بوسه عنرا ، زمانی است تاریخی و خلاصه داستان اینست که در اوائل قرن نوزدهم میلادی ، یکی از کشیشان « بوهم » بنام « ژان هوس » که کشیشی کتاب خوانده و روشنفکر بوده در اعمال و اقوال و آثار خود ، بر ضد مذهب کاتولیک برمیخیزد در آن ایام کلیه سلاطین اروپا برده و بستند باقی بودند . حتی امپراطوران با نظر و صلاحدید پاپ انتخاب میشدند . در همین زمان اروپا در اروپا زندگی میکردند و « ژان هوس » نیز همین مشبه را یکی از دلایل قیام مذهب کاتولیک میدانست . چندی بعد یک نفر دیگر هم در همین مقام پاپ شد . و در همین هنگام امپراطور بوهم و مجارستان (سیگسموند) دستور دستگیری و سوزاندن خود « ژان هوس » و کلیه آثار او را صادر کرد و حکم کشتن او را صادر کرد . بمرحله اجرا درآمد . مردم بوهم که در آن زمان « ژان هوس » بودند علیه امپراطور شورش نمودند . مردم بنام « ژان ویزکا » را سردار قشون انتخاب نمودند و خواستار استقرار حکومت جمهوری شدند . این جنگها در حدود دو بیست سال طول کشید و عاقبت نیز توان « ژان هوس » که پروتستان بودند در اوائل قرن هفدهم میلادی مغلوب کاتولیکها شدند و مذهب کاتولیک مذهب رسمی چکوسلواکی گردید .

بوسه عنرا (مجسمه برنزی) کتابی است بسیار شیرین و مالامال از حوادث عجیب و گوناگون و کتاب سراسر انباشته از نبردهای جمهوری خواهان با سلطنت طلبان است . پیداست که چنین کتابی نمیتوانست در عهد ناصرالدین شاه بچاپ برسد حتی اگر مترجم کتاب مقداری از وقایع را به توضیح امین‌الدوله سانسور کند و جمهوری طلبان را مشروطه خواه معرفی کند !! اما با اینهمه « بوسه عنرا » فصل نویی در افکار آزادی خواهان ایران باز کرد و در ایجاد مشروطیت و انقلاب مشروطه که یکسال پس از چاپ کتاب حدوث یافت قضی بزرگ و اساسی داشت . به نمونه‌ای از این ترجمه دقت فرمائید : « چشم اهل مجلس که به زیتیزکای باهیمیت و سطوت افتاد هوش از سر آنها رفت و از سرتا پا غرق وحشت و اضطراب شدند چه از اهل مجلس غیر از سرانست که زیتیزکا باو گفته بود من در روز انعقاد مجلس شوری حتما خود را به پراغ [پراک] خواهم رسانید . دیگر احدی احتمال نمیداد که سردار و رئیس دسته مشروطه طلبان باین تدبیر و بی‌خبر باین شهر و باین محل ورود خواهد نمود . اما امرای بوهمیا و وکلای ملت بمجرد اینکه چشمشان به زیتیزکا افتاد مثل اینکه ملک الموت را دیده باشند جمله بجمالت

مرک افتادند و یقین کردند که قلعه پراغ بلکه تمام شهر را مشروطه‌طلبان متصرف شده و تمام آنها در تحت اقتدار زیتیکا درآمده‌اند و اکنون هر چه او بخواهد به آنها میکند بنابراین خواستند شش‌هزار خود را بکشند و دشمن را بکشند و از زحمت و مزاحمت او آسوده شوند. اما دستها آن قدرت را نداشت که از عهده اینکار برآیند. و مطالعه‌کنندگان ما چنین گمان نکنند که امرای یوهیما در حقیقت مردمان جهانی بودند که تا این حد وحشت نمودند بلکه شجاعت و رشادتی بکمال داشتند و کمتر در راه جین و خوف قدم میگذاشتند. اما مسئله زیتیکا مسئله دیگر بود... مختصر زیتیکا امرا را بحالت ذلت و بیچارگی دیده با کمال اطمینان قلب گفت. آقایان، زحمت بیهوده نکنید. و حرف مفت نزنید. همراهان من شهر را متصرف شدند و لشکریان شما را هم براق چین کردند و... (۱۲)

نثر ترجمه کتاب «بوسه عنبر» نسبت به ترجمه‌های قبلاز صدرالعالی، نثری است خوب و ساده و دلچسب که خواننده را به دنبال حوادث میکشد و سرگرمش میکند.

«هانری چهارم» اثر «آلکساندر دوم» نیز که توسط «میرزا محمدامین دفتر» بفارسی ترجمه شد زمانی است تاریخی که از عربی بفارسی ترجمه شده است. «آلکساندر دوم» به وقایع خشک تاریخ قرن شانزدهم فرانسه و زندگی مردم فرانسه و نیز اتفاقات دربار فرانسه صورت دلنشینی داده و وقایع مستند تاریخی را با تخیلات یک رمان نویس درهم ریخته است تا خواننده را بدنیال حوادث بکشاند. نوع نثر این ترجمه نسبتا خوب است ولی در خود ترجمه، بعلم اینکه از فرانسه بفرسی و از عربی بفارسی برگردانده شده میتواند جای حرف بسیار باشد. از این ترجمه نمونه‌ای بدست می‌دهیم.

«فردای شبی که سموئیل کشته شد و ساره خانم فرار کرد صبح زود شاه از خواب برخاسته عزیمت شکار فرمود بیبرک را احضار و گفت موسیو کوارس و اموری برای سواری حاضر شوند بعد از یک ساعت شاه سوار شده با مترجمین رکاب از شهر بیرون رفتند در اول جنگل گرگی بسیار بزرگ پیدا شده یکی از سواران حمله کرد شاه بیک گلوله او را هلاک ساخت مسای احسنت و آفرین بلند شد اینوقت قریب بظهر بود و تا عصر برای شکار وقت باقی بود شاه گفت خوب است قدری شکار فوج و میش کرده باشم همیشه تو چیست کوارس توجه می‌گویی اموری. اموری عرض کرد سگهای شکاری شهر با زبرا چاکر تا امروز ندیده بودم انصافا شکار با آنها لذتی ندارد که هیچ چیز با آنها برابری نمیکند شاه به بیبرک فرمود بفرست سگهای خوب مرا بیاورند بیبرک برای انجام خدمت رفت شاه در زیر سایه درختی بیسانه گردید بهانری و اموری گفت بیائید صحبت کنیم آنها هم فورا اطاعت کردند و... (۱۳)

پیشتر گفتیم که انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹) و نیز انقلاب (۱۸۴۸) پاریس و کمون پاریس ۱۸۷۱ و سایر انقلابات کشورهای مختلف اروپا در قرن نوزدهم، تاثیر فراوانی در شکل گرفتن انقلاب مشروطه ایران داشته است. همچنین باید متذکر شویم که بیشترین و آنی‌ترین تاثیر را بر انقلاب مشروطه ایران انقلاب سال ۱۹۰۵ روسیه داشت که میدانیم بعلم اشتباهات هیشونیک ما و خیانت لیبرالیستها، (با قولی که تزار درباره تشکیل مجلس «دوما» داد) محکوم به شکست گردید اما تاثیر آن بر همسایه جنوبی یعنی ایران فراوان بود (کسانی مثل حیدر عمو و غلی از اعضای حزب «S.R.» (سوسیال رولسیونر) روسیه بودند) و بیشترین تاثیر در این راه، از کتابی بود بنام «شورش روسیه» که در سال ۱۳۲۶ یعنی یکسال قبل از انجام انقلاب مشروطه بفارسی ترجمه شد. در اهمیت این کتاب در ایجاد انقلاب مشروطه همین بس که مترجم کتاب (سید عبدالحسین کرمانی) در موخره ذکر میکند (موخره تاریخ ۱۳۲۷ قمری را دارد) که: «در هفده ماه قبل شروع بطبع این کتاب گردید و قریب پنج جزو آن بطبع رسیده بود که آن واقعه حایله رخ نمود یعنی استبداد صفیر شروع شد و در آن زمان شوم برای منتشر شدن این قبیل کتب و اوراق از طرف وزارت مطبوعات امر بتوقیف این کتاب گردید و این مدت مدید را مترصد بود تا اینکه از سمت شمال [روسیه] و جنوب انهدام آن اساس بی‌اساس مجاهدین وارد گشته پایه ظلم از بیخ و بن برکنند بنابراین مجدداً شروع بطبع بقیه آن شد و... (۱۴)

این کتاب از عربی بفارسی ترجمه شده و برابر سهل انگاری مترجم

(مترجم عربی یا مترجم ایرانی؟) متأسفانه نام نویسنده از قلم افتاده است. همچنین بگویم که با وجود اهمیت فوق‌العاده این کتاب در ایجاد انقلاب مشروطه، تا آنجا که من اطلاع دارم، تاکنون در هیچ‌کدام از کتابها و جزوات و مقالاتی که راجع به انقلاب مشروطه و با اندیشه‌ی انقلاب مشروطه تالیف و منتشر گردیده است نامی از این کتاب و تاثیر بزرگ آن بر آزادبخوانان ایران نرفته است.

کتاب تاریخ شورش روسیه (انقلاب ۱۹۰۵) شکلی رمان مانند دارد. ناقل داستان که در یکی از مناطق بیلاهی لبنان استراحت می‌کند، با یکی دیگر از مسافران آشنا میشود. این مسافر شخصیتی تودار و مرموز و بگفته نویسنده، اکثر اوقات در کلیسا مشغول دعا و استغفار بوده است. گویند داستان که از چهره این مسافر حدس زده بود باید از اهالی روسیه باشد، بالاخره باب دوستی با او را می‌گشاید و بر حسب اتفاق روزی بنامه‌ای که متعلق به مرد روسی بوده دست می‌یابد. نامه را بازمی‌کند و با خواندن مطالب آن که از طرف ناشناسی به مرد روس نوشته شده است درمی‌یابد که او یکی از رهبران انقلاب روسیه است در این نامه نویسنده (که در پایان، امضاء انجمن مسکو را دارد) وضع کلی روسیه را شرح داده و از اقدامات انجمن مسکو در کار نجات پترزبورگ سخن گفته و به مخاطب نامه اطلاع داده است که پلیس در جستجوی اوست و طبق دستور انجمن باید از روسیه خارج شود.

ناقل داستان روایت میکند که پس از ختم نامه بیهوش شده زیرا دریافته است که این مرد روس کسی نیست جز «محقق این شخص (گورتساکف) سرسریکی (ولادیمیر) امپراطور طایفه آزادی طلبان یا جنرال معروف اخلان است. این شخص است که جرانه مشهور عالم کارهای مجیر العقول او را شرح داده اطوار تعجب و خیریت نمی‌یابند» (۱۵). در حینی که دکتر (رامزی داستان) مشغول دوباره خواندن نامه است، گورتساکف سر می‌رسد و پس از آنکه می‌بیند امرارش بر ملا شده، داستان زندگی خود را برای دکتر شرح میدهد و معلوم میشود که او پس «سریکی ولادیمیر» یکی از چهار دولت‌مند پترزبورگ بوده و همیشه به بیست سالگی رسیده، طبق قانون روسیه، به خدمت وظیفه اعزام شده است در مدت دوسالی که در «کپ‌نسکوی» (محل ماموریت) اقامت داشته، نامه‌ای فراوانی برای خانواده‌اش می‌نویسد اما جواب نامه نمی‌آید تا اینکه بر حسب اتفاق، روزی یکی از دوستانش نامه‌ای از روزنامه «تودمیا» را به گورتساکف نشان میدهد و او می‌فهمد که پدرش را بجرم همکاری با آزادبخوانان دستگیر و به حبس ابد محکوم نموده، به سیری اعزام داشته‌اند. گورتساکف، از محل خدمت خود فرار میکند و با عیالی به پترزبورگ می‌رسد و می‌فهمد که پس از تبعید پدر، خواهر و مادرش بقتل و سرسریکی چهار ساله و خواهرش برای تهیه لقمه نانی به گدائی افتاده است. گورتساکف پس از اطلاع از این مسئله بدسته‌های آزادبخوانان می‌پیوندد (که گویا به حزب سوسیال رولسیونر و نیچلستها) و سراسر کتاب حاوی فعالیت‌های این گفته و دسته‌های دیگر آزادبخوانان روس علیه دستگاه پلیس تزاری است «شورش روسیه» یکی از بهترین کتابهایی است که قبل از انقلاب مشروطه بفارسی ترجمه شد و بصورت جزوه منتشر گردید اما همانطور که از قول مترجم خواندیم، جزوه‌های آن توسط ماموران استبداد صفیر جمع‌آوری و توقیف شد تا اینکه بعدها (در شوال ۱۳۲۷) بصورت کتابی کامل منتشر گردید.

به نمونه‌ای از این ترجمه توجه فرمائید:

«اما آلت دینامیتی که انجمن فرمان ساختن آنرا داده بود بشکل ساعتی بود که در ظاهرش علامتی از علامت خدمه و مگر مشاهده نمیشد این خدمت بمرئی موسوم به ترسنسکی که پیش از این نیز نارنجکی که در قطار راه‌آهن امپراطوری انداختند از ساخت او بود و بغیر از آن نیز مکرر ادوات نارنجی ساخته بود و هنوز رعب و ترس آن در دل حکام روسیه هست رجوع گردید و معلوم است که اول شرط اقدام باین مهمه کتمان سر و پنهان داشتن خیالات است این بود که لازمه خودداری و پرهیز از فاش شدن راز را پیشنهاد خاطر داشتیم و تا توانستیم در پنهان داشتن این امر کوشش کردیم اما بدبختانه روزی خبر رسید که جاسوسان روسی در صدد کشف راز برآمده‌اند و در خیال چاره افتاده و بزودی برخیاالات ما و قوف خواهند یافت انجمن فورا متعقد شد و

لازمه مذا
بانجمن نم
وشوارس
از فرقه نو
خدمت نامه
دادند تا
بر این امر
که در سال
ترجمه شد
شده است
لویی شات
قست
با جامعه فر
شد و نیز
آشنا میگ
از جنگ ف
که لویی
و بدنیال آ
سیاهبان
جنگی فر
میگردد و
در شاتر
شده است
اصال قد
فرانسه
وقوانین
گفت که
عزیزتر
اول
نمونه‌ای
اختلاف
دعوت‌ناک
افزوده
قوا را
خواه در
در کلیه
نفر را
اینکه از
اهالی
وقابل
داده و
جلادان
اشخاص
موزیل
و باید
[بولویو
بودند
بازیر
و مقایسه
در یافت

لازمه مذاکرات در سر خیالات جاسوسان در میان آمد و مرا که ماهی چند بود بانجن نمیرفتم و درخانه دواز همه کس سکنی داشتم همیشه تنها در طرق و شوارع سیر میکردم و کسی گمان بد درباره من نمیبود و تصور نمیکردند که از فرقه نهلیست باشم یا کمتر رابطه با ایشان در میان باشد از برای انجام این خدمت نامزد کردند و مردی دیگر موسوم به اولوف را نیز معاون من قرار دادند تا مراقب جاسوسان باشیم و نگذاریم تا ساختن دینامیت باتمام نرسیده بر این امر وقوف یابند و ...» (۱۶)

« دوره تاریخ انقلاب کبیر فرانسه » بدترجمه « یوسف رضوی تریزی » که در سال ۱۳۳۱ قمری (ماه محرم) بچاپ رسید یکی دیگر از کتابهای خوب ترجمه شده در عهد قاجاریه است . این کتاب در سه قسمت و بوسیله موقوف تنظیم شده است . قسمت اول که بهترین قسمت کتاب است از سالهای اول سلطنت لویی شانزدهم آغاز و در دوران قدرت روبس پیر پایان می یابد . در این قسمت (که متأسفانه نام نویسنده آن توسط مترجم ذکر نشده است) خواننده ، با جامعه فرانسه در قرن هیجدهم ، و بدنیال آن با کلیه حوادثی که منجر بانقلاب شد و نیز کلیه رهبران انقلاب و احزاب مختلف و نمایندگان مجلس موسان آشنا میگردد .

قسمت دوم کتاب بقلم « آلكساندر دو ما » نوشته شده است . این قسمت از جنگ فرانسه با اتریش (که با نقشه های لویی شانزدهم آغاز شد ، بدین معنی که لویی شانزدهم برای سرکوبی انقلابیون ، ازدولت اتریش کمک خواست و بدنیال آن سیل سپاهیان اتریش بسوی فرانسه جاری شد و در کناکش جنگهای سپاهیان فرانسه با اتریش بود که لویی و ماری آنتوانت ، کلیه نقشه های جنگی فرانسویان را مخفیانه با اطلاع رهبران اتریش میرساندند !) آغاز میگردد و با مرگ ماری آنتوانت (بجرم تسلیم اسناد جنگی فرانسه به اتریش) در شانزدهم اکتبر ۱۷۹۳ پایان می یابد .

قسمت سوم کتاب ، بقلم « آدولف تیر » رئیس جمهور فرانسه نوشته شده است . این قسمت از دوران قدرت مجلس کنوانسیون آغاز میشود و با آغاز اعمال قدرت ناپلئون (انتصاب بنا بهارت به حکومت نظامی پاریس و کسول فرانسه) پایان می یابد . در این قسمت ، خواننده با کلیه اقدامات کنوانسیون و قوانین مصوبه آن و نیز دشواریهای کار انقلاب آشنا می گردد . میتوان گفت که از نظر ارزش ، کتاب سه جلدی (دوره تاریخ انقلاب کبیر فرانسه) بهترین کتاب تاریخی است که در عهد قاجاریه ترجمه و بچاپ رسیده است . قطع این کتاب ، وزیری و تعداد صفحات آن بدین ترتیب است . جلد اول (۱۴۶ صفحه) جلد دوم (۱۳۴ صفحه) و جلد سوم (۶۲ صفحه) . بر نمونه ای از جلد سوم این کتاب توجه فرمائید :

« گوییمت [کمیته] نجات ملی در میان این حوادث غیر مترقبه و این اختلاف و آشوب حس میکرد باید حکومت فرانسه را قویتر کرده و قدرت نهشت ناکثر بران داد و هر روز واقعات جاریه بر احتیاط و قابلیت کمیته ترنور افزوده و لازم میدید که باید بر قوت و قدرت حکومت انقلاب افزود پس تمام قوا را تحت نفوذ خود جمع کرده و تمام گومتها و شعبات را خواهد دیاریس خواه در ولایات مطیع امر خود کرده و اعلام نمود که تا اتمام جنگ حکومت در کلیه نقاط مملکت فرانسه انقلابی و نظامی خواهد بود در همین روزها چند نفر را با مر کنوانسیون توقیف کردند اولاً - روس سردار سابق را بتقسیر اینکه از لیون به پاریس آمده و اعلان کرده بود « از صد و چهل هزار نفر اهالی (لیون) فقط هزار و پانصد نفر وطن پرست و باقی کلیتاً مقصر و مستبد و قابل الاعدامند » ثانیاً - [وسان] را چونکه استبداد شدید در اردو بخرج داده و بانمایندگان کنوانسیون رقابت نموده بود ثالثاً - مایارد رئیس جلدان دوم سبتمبر را فابریکانتین متهم کرده و گفته بود « این قبیل اشخاص باید از هر گونه شغل های مملکتی و عمومی محروم باشند » رابعاً ، موزیل را توقیف کردند چون که گفته بود « کنوانسیون خیال خیانت دارد و باید بروی اعضای آن تفکر کرد ، خامسا - حکم صادر شد [برولی] و [بولیون] و [دزفوی] و [بریرا] را که متهم به جاسوسی از طرف خارجه بودند دستگیر نمایند و شب ۱۷ نوامبر هزار و هفتصد و نود و سه سه نفر کنوانسیون با زیر شاہو دالونی را گرفتار کردند و ... » (۱۷)

نثر ترجمه انقلاب کبیر فرانسه ، نسبتاً خوب و میتوان از مطالعه کتاب و مقایسه آن با سایر کتابهایی که راجع به انقلاب کبیر فرانسه نوشته شده (۱۸) دریافت که مطالب ، تقریباً مقرون بحقیقت است .

از کتابهای تاریخی مهم دیگری که در اواخر دوران قاجاریه ترجمه و بچاپ رسید ، کتابی است با نام « تاریخ اقصای شرق ، یا محاربه روس و ژاپن » که توسط شخصی بنام میرزا باقرخان مترجم تریزی از زبانهای فرانسه و ترکی بفارسی برگردانده شده است . مترجم در مقدمه کتاب متذکر میگردد که در سال ۱۳۲۵ هجری قمری قسمتهائی از کتاب مصور « سفر روس و ژاپن » اثر « فؤاد وثابی بیگ » نویسنده ترک را ترجمه و بشکل مجله ای مصور منتشر ساخته است اما مسائلی مثل بپاران مجلس شورا و استبداد محمدعلی شاه قاجار باعث شد که ترجمه بقیه آن بتعویق بیافتد تا اینکه بعدها بتشویق دوستان ، بدترجمه کامل کتاب دست میزند و در این راه از کتاب « جنگ روس و ژاپن » اثر « هانری گالی » نویسنده فرانسوی نیز فصلی چند ترجمه نموده همه را در یک کتاب جمع میکند و بچاپ میرساند اهمیت جنگ روس و ژاپن در آن ایام بعلمت این بود که شکست نیکلای دوم وقشون روس باعث روشن شدن آتش انقلاب ۱۹۰۵ روسیه شد و بیداری مردم روس را باعث گردید و خود این انقلاب ، باعث انقلاب مشروطه ایران گردید . نثر مترجم نسبتاً خوب و راحت است و برای عامه مردم (در آن دوران) قابل فهم . این کتاب در سالهای اول حکومت احمدشاه قاجار بچاپ رسیده است ؛ به نمونه ای از این ترجمه دقت فرمائید : « در چهاردهم ماه مه رام آهن مانین ولادوستوک و برت آرتور را قریب بیست کیلومتر خراب نمود و قبل از این تخریب در آخرین ترن بخط مزبور فرمانروای اقصای شرق آمیرال [آلمیرال] آلکسیف با (پرفسور ولادیمیروویچ) بودند که از یرت آرتور حرکت کرده بشهر موکدن روانه شدند . بنا بر این فرماندهی جهازات یرت آرتور با کونتر آمیرال (ویت هفت) تفویض گردید و کمانداتی شهر و سواحل هم بمعده ژنرال « استول » راجع گردید .

بقیه در صفحه ۵۸



عباس میرزا نایب السلطنه پیشرو نهضت ترجمه در ایران

نهیض ترجمه در عهد قاجاریه (بقیه)

- علی اکبر مهتدی انتشار یافته است .
- ۷ - ملالاله زار - حکمت ناصریه یا حکمت دیاکرت (تهران - ۱۳۷۹ قمری) ص ۱۳۵ - ۱۳۶
- ۸ - آکساندر دوما - لوئی چهاردهم و قرن وعصرش - محمد طاهر میرزا (تهران ۱۳۱۵ قمری) جلد دوم ص ۱ و ۲
- ۹ - اوگوست ماکت - دبل کابریل - حاج علیقلیخان سردار اسعد (تهران - ربیع الثانی ۱۳۲۴ قمری) جلد دوم ص ۲
- ۱۰ - کنت دلاسکار - تاریخ سنت‌ها - علیخان (فرزند محمد طاهر میرزا) (تهران - ۱۳۱۸ قمری) جلد دوم ص ۲ و ۳
- ۱۱ - بوسوئه - تاریخ فردرک گیوم - شاهزاده محمد طاهر میرزا (تهران - ۱۳۱۷ قمری) ص ۲۶ و ۲۷
- * جرج رنولدز - بوسه عنرا - صدرالمعالی (تهران - ۱۳۳۶ قمری) ص ۵ و ۶

- ۱۲ - همان کتاب ص ۱۴۹ - جلد اول - از این کتاب چاپ جدیدی نیز با این مشخصات درست است . بوسه عنرا - سید حسین خایری (صدرالمعالی) (تهران - علی اکبر علی - ۱۳۴۸ شمسی)
- ۱۳ - آکساندر دوما - هانری چهارم - میرزا محمدامین دفتر (تهران - شعبان ۱۳۲۳ قمری) ص ۱۶۷ - ۱۶۸
- ۱۴ - سید عبدالحسین کرمانی - تاریخ شورش روسیه (تهران - ۲۰ شوال ۱۳۲۷) ص ۲۹۱ - ۲۹۲
- ۱۵ - همان کتاب ص ۱۵
- ۱۶ - ایضا - ص ۱۰۶ - ۱۰۷

- ۱۷ - آکساندر دوما - آدولف تییر - و ؟ - دوره تاریخ انقلاب کبیر فرانسه (تهران - مطبعه برادران باقرزاده - ۱۳۳۱ قمری) جلد سوم ص ۱۸
- ۱۸ - مینیه - انقلاب کبیر فرانسه - عبدالله مستوفی (تهران - شرق - ۱۳۰۶ شمسی) و - آلبرماله - قرن هیجدهم و انقلاب کبیر فرانسه - رشید یاسینی - (تهران - ابن سینا - ۱۳۳۲) و - رابرت روزل پالمر - تاریخ جهان نو - ابوالقاسم طاهری (تهران - امیر کبیر - ۱۳۴۹) و چند کتاب دیگر

- ۱۹ - هانری گالی و فواد ثنائی بیک - تاریخ اقصای شرق یا محاربه روس و ژاپون - میرزا باقرخان مترجم تبریزی (تهران - کتابخانه حاجی شیخ احمد - ۱۳۳۳ قمری) ص ۲۵۲ - ۲۵۳

شایعات جهازات ژاپن - داخل خلیج (کر) که خیلی محفوظ و عمیق و از حیث مخاطرات تورپیل‌ها محل دقت بود (امیرال کاناغونا) باسفاین تورپیل دار خویش مامور برداشتن آنها شده و غالب آنها را رفع و ازاله نمود در این اثنا یک کشتی جنگی یکی از آنها برخورد مشتعل و مغروق گشت و در چهاردهم مه زره پوش (مسیاکوی) ژاپونی هم در همان بندر بواسطه قضای احتراقی غرق یافت و با وجود این سلسله خسارات ژاپونی با اینها محدود نشده فردای روز مزبور فرود از در کوچک [اژدرانداز کوچک] با زره پوش های (پوشینو) و (بانسوزه) دچار خسارات مهیسه شدند و... (۱۹) (پایان قسمت اول) ادامه دارد

زیر نویس (قسمت اول)

- ۱ - یحیی آرین پور - از صبا تا نیما (تهران - جیبی - ۱۳۵۱) جلد اول ص ۲۴۸
- ۲ - برای اطلاع بیشتر ، نگاه کنید به کتاب ایرانیان ارمنی - اسماعیل رائین
- ۳ - ولتر - پتر کبیر - شارل نوازدهم - میرزا رضا مهندس - تبریز - ۱۳۳۷ قمری) ص ۲۲۱
- ۴ - همان کتاب . ص ۱۸۰ - ۱۸۱ - از این کتاب ترجمه جدیدی نیز با این مشخصات درست است . ولتر - شارل دوازدهم - فواد رسام - (تهران - ۱۳۳۶ شمسی)
- ۵ - ایضا - ص ۱۲۷ - ۱۲۸
- ۶ - ادوارد گیبون - تاریخ تنزل و خرابی دولت روم - میرزا رضا مهندس (۱۳۴۷ قمری) (این نسخه خطی ، بخط خود میرزا رضا ، شماره ۶۶ در کتابخانه ملی به ثبت رسیده است . شماره صفحه‌ای که از آن نمونه داده ام ۱۷۷ است)

از این کتاب ترجمه جدیدی با این مشخصات در دست است . ادوارد گیبون - انحطاط و سقوط امپراطوری روم - بولقاسم طاهری - (تهران - جیبی - ۱۳۴۷) . و در باره همین مسئله ، کتاب دیگری اثر منسکیو با ترجمه

ابعاد اجتماعی توسعه (بقیه) نگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

تفاوت بعضی و فقر بعضی دیگر بکار می‌رود . بالاخره می‌گویند ، که اولاً تفاوت بالای درآمدها باعث ایجاد انگیزه برای فعالیت بیشتر می‌گردد و ثانیاً درآمدهای بزرگ به پرافتخار بیشتر و در نتیجه سرمایه‌گذاری منجر می‌شوند این براهین ، و براهین معمول و کلی دیگر را برای توجیه اختلاف های زیاد و فزاینده فعلی کشورهای در حال رشد اقامه می‌دارند . بدون شك توسعه حاصل از اختلاف های زیاد و بیعدالتی اجتماعی ، يك واقعیت است . واقعیتی که دارد در مقیاسی وسیع بوقوع می‌پیوندد . لیکن ، واقعیات نه ضرورتها را توجیه می‌کنند و نه موجودیت راههای دیگر را انکار . براهین نظری ، نمی‌توانند ثابت کنند که توسعه بر اساس عدالت اجتماعی غیر ممکن است و یا پویائی کمتری دارد . برعکس ، بعضی معتقدند که عدالت اجتماعی عامل چنان مهمی است که باید رشد بالاتر توسعه اقتصادی را فدای آن ساخت . این عقیده‌ایست قابل قبول . در واقع ، می‌توان میزان رشد بالاتر را انتخاب کرد و یا هدفهای مهم دیگر اجتماعی و اقتصادی را . معیناً ، این را هم نمی‌توان بسادگی قبول کرد که عدالت اجتماعی وسیعتر ، بعنوان يك قاعده ، از کارائی اقتصادی و در نتیجه از میزان رشد می‌کاهد . این عقیده هرگز بتوسط تجربه اثبات شده است . در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری ، سطح اقتصادی ، بهیچوجه تابعی از تفاوت‌های اقتصادی نیست .

- ۱) Structure ، بعضی اوقات بنیان ترجمه کرده‌ام .
- ۲) Value added
- ۳) Marketing ، به پیشنهاد دکتر منوچهر فرهنگ .
- ۴) Entity
- ۵) Engineered